

## نظریه اسلام ناب-اسلام آمریکایی، از امام خمینی تا رهبر انقلاب

مجتبی نامخواه

پس از امام خمینی رحمه الله، در شرایطی که ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی در فضای سیاست زده‌ی داخل کشور مورد طعن و قهر و یا مصرف انتخاباتی جناح‌های عمده‌ی سیاسی قرار گرفته است، آیت الله خامنه‌ای بار دیگر این ادبیات را در کانون توجه‌ها قرار می‌دهند.

**جهان نیوز - مجتبی نامخواه:** نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی اگرچه در ابتدا از سوی امام خمینی رحمه الله طرح شد، اما بعد از ایشان، توسط رهبر انقلاب نیز ادامه یافت و تعاریف و جنبه‌های بیشتری نیز به آن افزوده شد. برای مثال، رهبر انقلاب در پیام حج امسال خود، سه مسئله‌ی کلیدی جهان اسلام را «اتحاد مسلمانان»، «مسئله‌ی فلسطین» و «مسئله‌ی درک تفاوت اسلام ناب-اسلام آمریکایی» معرفی کردند. در این میان، دو مسئله‌ی اتحاد جهان اسلام و مسئله‌ی فلسطین، همواره تا حدودی در ذهن و زبان نخبگان امت مطرح بوده، اما به نظر می‌رسد مسئله‌ی سوم آن‌چنان که باید، ضریب نگرفته و مورد توجه قرار نگرفته است. حال آنکه امروزه با تحولات شگرفی که در منطقه حادث شده، اهمیت پرداختن به این مسئله صدچندان شده است. یادداشت زیر تلاش می‌کند تا به‌عنوان گام نخست، تکوین این نظریه و ادوار تاریخی آن را در کلام امام خمینی رحمه الله و رهبر انقلاب، مورد بررسی قرار دهد.

### \*غیبت و مهجوریت نظریه کلیدی امام خمینی

دوگانه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌مثابه‌ی یک ایده‌ی محوری و به‌نوعی همزاد تاریخی و معرفتی انقلاب اسلامی است. با این همه، کمتر به جایگاه شایسته‌اش در میان فعالان دلسوز جهان اسلام دست یافته است. از زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و منفعت‌محور مهجوریت این ایده که بگذریم، برخی خطاهای روش‌شناختی، این نظریه‌ی کلیدی را تا حدودی از دسترس خارج کرده است.

یکی از مهم‌ترین خطاها در این زمینه، تلقی خطایی از این مفهوم است؛ این تصور که اسلام ناب-اسلام آمریکایی صرفاً یک ترکیب شعاری و صورت‌بندی جدلی است و حداکثر یک سری مصرف‌های تبلیغاتی در جهان و انتخاباتی در ایران و یا مانند آن دارد. این تلقی باعث شده است یکی از پُربسامدترین مفهوم‌سازی‌ها در نظام اندیشه‌ی امام خمینی رحمه الله، آن‌چنان که باید، مورد توجه جامعه‌ی علمی قرار نگیرد. شاید تا حدودی غیرقابل باور باشد، اما تقریباً هیچ تحلیل، کتاب یا برنامه‌ی پژوهشی جدی نیست که کاری در این زمینه ارائه کرده باشد. در حالی که «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» به‌عنوان عصاره‌ی اندیشه‌ی امام خمینی رحمه الله، یک تئوری جامع است که قابلیت تبیین بسیاری از شکاف‌ها و پدیده‌های اصلی جهان اسلام را دارا است و می‌تواند به‌مثابه‌ی یک اندیشه‌ی بدیل، از بسیاری از مسائل به‌ظاهر غیرقابل حل موجود، صورت‌بندی جدید و راهگشایی دست دهد.

خطای کلیدی بعدی، متوجه بازخوانی‌های غیرضابطه‌مندی است که از این مفهوم انجام شده است. اغلب درباره‌ی اسلام ناب بسیار سخن گفته می‌شود. به یک معنا، تمام کسانی که در تمام حوزه‌های تفکر اسلامی در حال پژوهش یا سخنرانی هستند، مدعی هستند درباره‌ی اسلام ناب کار می‌کنند. اما باید توجه داشت مراد از تئوری اسلام ناب-اسلام آمریکایی، مفهوم اسلام ناب در کلیت خود نیست، بلکه مفهوم و تمایزی است که به وسیله‌ی امام خمینی رحمه‌الله طرح و صورت‌بندی شده است. این بصیرت مهم در پیام حج رهبر انقلاب به روشنی برجسته شده است: «نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد.»<sup>۱</sup> بی‌توجهی و عدم بازخوانی تمایزی که امام خمینی رحمه‌الله میان این دو مقوله تبیین کرده، برداشت‌های متفاوت و گاهی متضاد را ذیل این مفهوم جای داده است.

### \*ادوار نظریه «اسلام ناب-اسلام آمریکایی»

نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی، یکی از بنیانی‌ترین وجوه اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی امام خمینی رحمه‌الله، ادواری را طی کرده است. فهم این ادوار، زمینه‌ی مناسبی برای درک معنای این نظریه دست می‌دهد. در ادامه تلاش می‌شود تصویری از این دوره‌ها به اختصار به بحث گذاشته شود.

با بررسی متونی که امام خمینی رحمه‌الله در زمینه‌ی این نظریه نوشته یا بیان کرده‌اند، می‌توان شکل‌گیری این نظریه را تشریح کرد. پس از امام خمینی رحمه‌الله، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این نظریه را به‌مثابه یکی از کلیدی‌ترین «معارف انقلاب اسلامی» دانسته و «راز بزرگ» انقلاب را براساس آن تشریح می‌کنند. ایشان در طول مدت رهبری خود، بارها و بارها با استناد به مفاهیم و منطق این نظریه، مسائل کشور و جهان اسلام را تشریح می‌کنند.

مفهوم‌سازی‌های متعدد و کاربردهای فراوانی که در بیانات ایشان وجود دارد، حکایت از نقش محوری ایشان در بسط و احیای این نظریه‌ی کانونی، اما مهجور امام خمینی رحمه‌الله دارد. براساس بسط و کاربرست نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی، در ادبیات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان ادوار دیگری را در تاریخ حیات اجتماعی این نظریه تمییز داد. بر این اساس، نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌عنوان یک مفهوم و دال جدی در اندیشه‌ی امام و رهبری، پنج دوره‌ی متمایز را طی کرده است:

### ۱. طرح مبادی

منظور از طرح مبادی، دوره‌ای است که علی‌رغم تأکید بر معانی، مبانی و تضادهای معرفتی مطرح در این نظریه، هنوز ادبیات و واژگان اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌طور جدی صورت‌بندی و مطرح نشده است. به‌عنوان نمونه، در اولین پیام سیاسی-اجتماعی به‌جای مانده از امام خمینی رحمه‌الله در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۲۳، تضاد میان دوگانه‌ی «قیام‌الله/قیام برای نفس» مطرح است. ۲ این دوگانه در سال‌های پس از خرداد ۱۳۴۲ با تعابیر مختلف میان اسلام ناقص و اسلام جامع، اسلام عدالت‌خواه و اسلام انقلابی مطرح می‌شود:

«اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضداستعمار است. اما این‌ها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلامی را از آن بگیرند.»<sup>۳</sup>

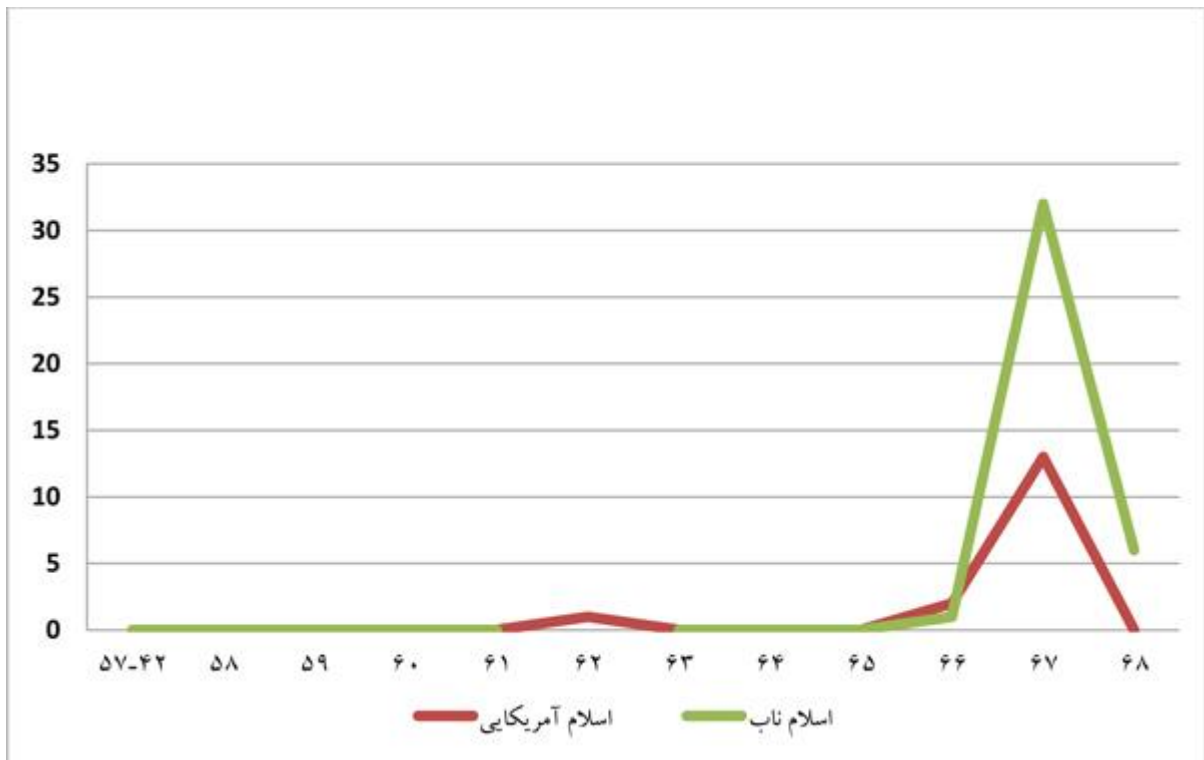
امام خمینی رحمه‌الله این نگاه انتقادی نسبت به «شکل ناقص اسلام در حوزه‌های علمیه» را تا بالاترین سطوح مطرح کرده و این چنین است که حتی «رساله‌های عملیه» به عنوان محصول اندیشه‌ی مراجع تقلید وقت را نیز در این چارچوب، مورد نقد قرار می‌دهند که تفاوت‌های زیادی میان رساله‌ها، به عنوان متون مبنا در «آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود» و منابع سنت اسلامی (قرآن و حدیث) به عنوان متون مبنا در اسلام واقعی، وجود دارد. این تفاوت عمدتاً در دو مؤلفه‌ی «جامعیت» و «تأثیر عینی در زندگی» مشخص می‌شود و «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن [برخلاف رساله‌های عملیه]، از نسبت صد به یک هم بیشتر است!»<sup>۴</sup>

از نظر ایشان، «آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود»، «ناقص» است، ابعاد اجتماعی اسلام را در بر ندارد و «خاصیت انقلابی و حیاتی» از آن گرفته شده است. به همین دلیل، ایشان ضمن تأکید بر اهمیت ابعاد عبادی اسلام و اینکه «البته مسائل عبادی را باید یاد بدهید»<sup>۵</sup> تأکید دارند که اسلام با محوریت قرار گرفتن مسائل دیگری مطرح شود: «اما مهم مسائل سیاسی اسلام است، مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است. این‌ها محور کار بوده و باید باشد.»<sup>۶</sup>

با این همه، به نظر می‌رسد ما در طرح مبانی و معانی این نظریه با دو دوره مواجه هستیم. اگر در سال‌های قبل از خرداد ۴۲ تأکید بیشتر بر طرح اسلام ناب بود، در دوره‌ی پس از خرداد ۴۲، نفی اسلام‌های متحجر و متجدد پُررنگ‌تر می‌شود.

## ۲. مفهوم‌سازی و صورت‌بندی

در سال آخر عمر امام خمینی رحمه‌الله، ایشان تجربه‌ی نظری و عملی ربع قرن درگیری میان قرائت انقلاب اسلامی از اسلام با اسلام مقدس مآب و اسلام متجددمآب را مفهوم‌سازی می‌کنند. پس از دو و نیم دهه، این درگیری ژرف معنایی، در قالب واژگان و مفاهیم دوگانه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی چارچوب‌بندی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در جای‌جای پیام‌های رسمی و عمومی و نامه‌های خصوصی، حکومتی و عمومی امام خمینی رحمه‌الله در این دوره، از ادبیات و مفهوم‌سازی‌های این نظریه استفاده شده است. نمودار زیر فراوانی کاربرد دو واژه‌ی کلیدی این نظریه در ادبیات امام خمینی رحمه‌الله را در این دوره با دیگر سال‌ها مقایسه می‌کند.



نگاره‌ی یک: فراوانی کاربرد ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی براساس زمان در آثار امام خمینی رحمه‌الله

در واقع اگرچه معنا و نزاع معنایی اسلام ناب-اسلام آمریکایی پیش از این مرحله، عمری ۲۵ساله دارد، اما واژگان اسلام ناب-اسلام آمریکایی و مفاهیم برگرفته از آن، در این سال خلق می‌شوند. با این همه، تلاش امام خمینی رحمه‌الله در این دوره، تنها معطوف به خلق این واژگان نیست، بلکه ایشان تلاش می‌کنند براساس این دو گانه، منظومه‌ی نظری منسجمی را بازتولید و آن را در حوزه‌های مختلف مرتبط با انقلاب اسلامی، مانند فهم ماهیت انقلاب اسلامی، تحلیل چالش‌های فراروی انقلاب، سیاست‌های داخلی، اقتصادی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و همچنین سیاست‌های نهادهای حاکمیتی و انقلاب اسلامی، تئوریزه کنند.

### ۳. شرح نظریه

پس از امام خمینی رحمه‌الله، در شرایطی که ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی در فضای سیاست‌زده‌ی داخل کشور مورد طعن و قهر و یا مصرف انتخاباتی جناح‌های عمده‌ی سیاسی قرار گرفته است، آیت‌الله خامنه‌ای بار دیگر این ادبیات را در کانون توجه‌ها قرار می‌دهند. ایشان طی دوره‌ای حدوداً یک‌ساله، به تشریح مفاهیم این نظریه پرداخته و با مفهوم‌سازی‌های متعدد، ادبیات این نظریه را گسترش می‌دهند. شاید بتوان نمونه‌ی کامل و جمع‌بندی این دوره را در پیام ایشان در اولین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله مشاهده کرد. آنجا که کلیت مدرسه‌ی فکری امام خمینی رحمه‌الله و همچنین لایه‌های بنیادین و معرفتی انقلاب اسلامی را در چارچوب دو گانه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی تشریح می‌کنند.<sup>۷</sup>

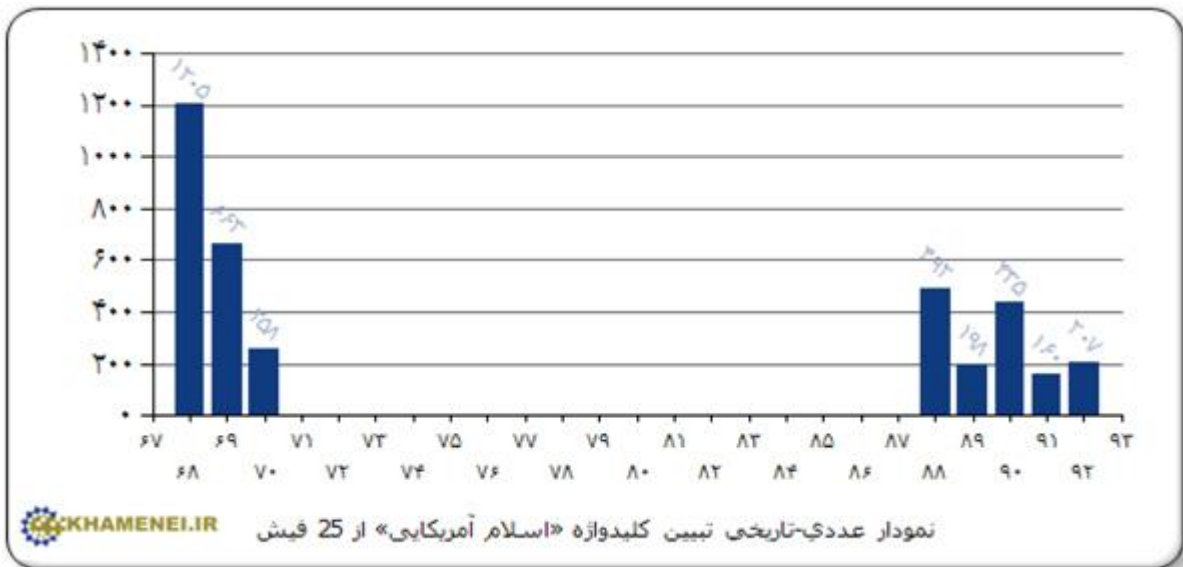
#### ۴. بسط نظریه

پس از دوران شرح متن نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی، ما با دورانی در ارتباط با این نظریه مواجهیم که می‌توان از آن به دوران بسط این نظریه تعبیر کرد. در این دوره، ضمن اینکه شرح، مفهوم‌سازی و خلق مضامین جدید در ارتباط با این نظریه در ادبیات رهبری انقلاب به‌وفور موج می‌زند، اما فراتر از تکرار ادبیات، تلاش می‌شود بسط این منطق دنبال شود. در این مرحله است که مضمون‌سازی‌ها و محورهای اصلی در ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی مورد توجه است، بی‌آنکه نیازی باشد واژگان این نظریه تکرار شود. بسط امر به معروف و نهی از منکر به حوزه‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تقابل امر به معروف فردی/اجتماعی، مبارزه با اشرافیت (اسلام اشرافیت)، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، مردم‌سالاری دینی، نوسازی معنوی، استقلال‌خواهی، کرامت انسانی، آزاداندیشی نظری و آزادی‌خواهی سیاسی-اجتماعی از فصول محوری ادبیات رهبری در این دوره است.

این ادبیات، مضامین نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را فراتر از الفاظ و واژگان نهفته در یک نظریه، به یک منطق فکری تبدیل می‌کند. ضرورت تاریخی-اجتماعی این فرایند، این است که به اقتضای سیر اجمالی به تفصیل انقلاب اسلامی، مفاهیم نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی از دستبرد مصارف سیاسی خارج گردد. در صورتی که اگر این نظریه بدون این بسط و بازتولید معنایی در طول یکی دو دهه صرفاً تکرار می‌شد، نه تنها به دلیل کلیشه‌شدگی، کارآمدی خود را از دست می‌داد، بلکه چه‌بسا ظرفیت بسیج‌کنندگی و تولید سرمایه‌ی اجتماعی آن نیز مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت. اما از آنجا که مفاهیم اسلام ناب-اسلام آمریکایی، واژگان و ادبیاتی صرفاً تکرار شونده نبودند، جریان‌های اشرافیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمی‌توانستند آن را به‌مثابه یک شعار، به مصرف سیاسی برسانند. بسط معنایی و مضمون‌سازی نظریه‌ی «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» در این مرحله، آن را از تکرار، کلیشه‌شدگی و نهایتاً ابهام، بازمی‌دارد.

#### ۵. بازخوانی مجدد متن نظریه

از سال ۱۳۸۸ به بعد، بار دیگر متن واژگان نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی طرح می‌شود. گسل‌های جدی سیاسی-اجتماعی در داخل و خارج از کشور فعال شده‌اند. رهبر انقلاب اسلامی نیز برای تشریح این شکاف‌ها و نزاع‌های فتنه و بیداری اسلامی، بار دیگر متن ادبیات نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را مطرح می‌کنند. در این دوره است که ایشان نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را به‌مثابه چارچوبی برای مطالعه‌ی انقلاب‌های بیداری اسلامی مطرح می‌کنند و در نهایت، در پیام اخیرشان به‌کنگره‌ی حج، کاربست این نظریه را به‌عنوان یکی از سه اولویت جهان اسلام، در ردیف مسائلی چون «اتحاد مسلمین» و «مسئله‌ی فلسطین» جای می‌دهند.<sup>۹</sup> نگاره‌ی دو، فراوانی کاربرد کلیدواژه‌ی اسلام آمریکایی در طول سال‌های ۶۸ تا ۹۲، نشان‌دهنده‌ی این سه مرحله است.<sup>۱۰</sup>



نگاره‌ی دو: فراوانی کاربرد کلیدواژه‌ی «اسلام آمریکایی» در ادبیات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری ایشان، نشان‌دهنده‌ی سه دوره‌ی متمایز نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی است.

همچنین نگاره‌ی زیر، ادوار پنج‌گانه‌ی نظریه‌ی «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

بازه تاریخی	دوره	ردیف
شهریور ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۴۲	طرح مبادی	۱
خرداد ۱۳۴۲ تا سال آخر حیات امام		
سال آخر حیات امام (از پیام حج ۱۳۶۶ تا رحلت)	مفهوم‌سازی و صورت‌بندی	۲
اولین سال رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۶۹)	شرح نظریه	۳
۱۳۶۹-۱۳۸۸	بسط نظریه	۴
۱۳۸۸ تاکنون	بازخوانی و طرح مجدد متن نظریه	۵

نگاره‌ی سه: ادوار نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی

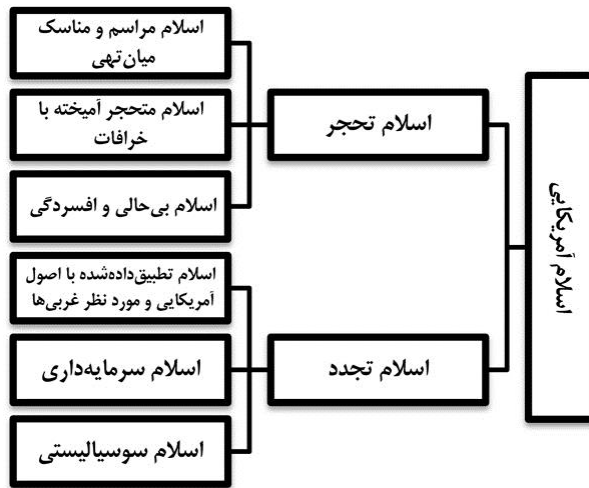
مسئله‌ی مهم دیگری که در نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی امام خمینی رحمه‌الله مطرح است اینکه از منظر ایشان، اسلام آمریکایی صرفاً اسلام غرب زده یا اسلامی که مورد تبلیغ یا حمایت مستقیم ایالات متحده‌ی آمریکا باشد، نیست. از منظر امام خمینی رحمه‌الله، تجدد و تحجر به‌مثابه دو مانع در فهم اسلام ناب عمل می‌کنند. قرائتی از اسلام که متأثر از این دو زمینه‌ی اجتماعی ارائه می‌شود، اسلام تجدد و اسلام تحجر خواهد

بود. اسلام آمریکایی عنوان عامی برای هر اسلام برخاسته از هر دوی این زمینه‌هاست .

از منظر رهبر انقلاب اسلامی، «اسلام آمریکایی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد»، بلکه اسلام آمریکایی هر چیزی است که «خارج از این اسلام ناب است.» ۱۱ در واقع در مفهوم‌سازی‌های این نظریه، هم «اسلام متحجر» آمیخته با خرافات» و هم «اسلام تطبیق داده‌شده‌ی با اصول آمریکایی و مورد نظر غربی‌ها» مورد نقد هستند که «هر دو این‌ها اسلام آمریکایی است.» ۱۲ از همین روست که از دیدگاه ایشان، اسلام آمریکایی دو نوع عمده دارد: «نوع لائیک و غرب‌گرا» و «نوع متحجر و خشن.» ۱۳



نگاره‌ی چهار: امام خمینی رحمه‌الله مفهوم اسلام آمریکایی را شامل موارد متعدد اسلام تجدد و اسلام تحجر می‌دانند.



نگاره‌ی پنج: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز مفهوم اسلام آمریکایی را در موارد متعددی درباره‌ی اسلام تجدد و اسلام تحجر به کار می‌برند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیام به حجاج: ۸ مهر ۱۳۹۳
۲. صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۲۱ تا ۲۳.
۳. ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۰.
۴. همان، ص ۱۱.
۵. همان، ص ۱۴.
۶. همان، ص ۱۲۶.
۷. همان.
۸. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۲۱ آذر ۱۳۹۱.
۹. پیام به حجاج، ۸ مهر ۱۳۹۳.
۱۰. کلیدواژه‌ی اسلام آمریکایی، بهتر این سه مرحله را بازنمایی می‌کند؛ چراکه برخی کاربردهای واژه‌ی اسلام ناب در ادبیات رهبری، معنای عام‌تر و فراتر از اصطلاح اسلام ناب در این نظریه را نشان می‌دهد.
۱۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲ مهر ۱۳۸۸.
۱۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۲.
۱۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۴ بهمن ۱۳۹۰.



دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی (یا اسلام جامع و اسلام ناقص) یک ایده محوری و یک طرح مفهومی غنی و کارآمد ولی مهجورمانده است. این دوگانه را باید یک تئوری جامع و راهگشا دانست نه یک ترکیب شعاری و صورت‌بندی احساسی و جدلی که مصرف تبلیغاتی دارد و یک ایده تشریفاتی است که باید بیشتر از آن تلقی خطابی کرد!

بسیاری از مسائل جهان اسلام را با این تئوری می‌توان تبیین و تحلیل کرد. فهم و بازخوانی و بسط ضابطه‌مند این تئوری که مقام رهبری از آن به عنوان کلیدی‌ترین معارف انقلاب اسلامی و راز بزرگ انقلاب یاد کردند ضرورت انقلاب است. اسلام ناب: اسلام دفاع از مظلوم و درگیری با ظالمان و قلدرها و زورگویان. اسلام مبارزه با سلطه و استکبار و استعباد و بردگی و نفاق، اسلام خروش و فریاد، اسلامی استقامت و پایداری و ایستادگی بر سر اصول و آرمان‌های انسانی، اسلامی پنجه در انداختن با فاسدان و ستمگران اسلام آمریکایی: اسلام درباری، اسلام راحت طلبان و عافیت‌جویان، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام سرمایه‌داری و رفاه و تجمل، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین و اسلام پادشاهان عربستان! اسلام آشتی با دنیای کفر، اسلام ...

اسلام آمریکایی: اسلام کفرآمیز است. کفر است به نام اسلام.